MEJDS. 2021; 11:172.

Published online 2021 Dec. **Original Article**

Modeling the Relationship Between Spiritual Intelligence and Early Maladaptive Schemas and Emotional Divorce Mediated by Attitudes to Extramarital Relationships in Women

Samalpoor Baba Ahmadi M[1], *Heidari A[2], Asgari P[2], Makvandi B[2]

Author Address
1. PhD Student in General Psychology, Department of Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran;
2. Department of Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.
***Corresponding author's email:** arheidarie43@gmail.com

Received: 2020 June 11; **Accepted:** 2021 January 25

Abstract

Background & Objectives: Many marriages do not end with formal divorce; however, they instead continue in the lack of love and friendship. Emotional divorce can be considered a state in which couples do not enjoy being together because there is no intimacy. Considering the undeniable importance of the family institution in any society, it is essential to investigate the harms and conditions that individual experiences after divorce. Spiritual intelligence may affect emotional divorce. Furthermore, early maladaptive schemas in women seem to increase the odds of emotional divorce. Extramarital relationships, infidelity, and infidelity often occur due to fulfilling one's emotional needs through relationships outside marriage. Iranian society is in transition, and traditional rituals are still in place. Accordingly, despite many divorces, numerous couples, due to the conventional nature of their families, might prefer to continue to live in very poor quality to avoid the psychological pressure of divorce. Thus, this study aimed to model the relationship between spiritual intelligence and early maladaptive schemas on emotional divorce mediated by attitude toward extramarital relationships in women.

Methods: This was a descriptive–correlational study in which the relationship between variables was investigated in the form of path analysis. The study population consisted of all women referring to psychological centers in Ahvaz City, Iran, in 2019. Accordingly, 264 women were selected by the convenience sampling method and completed the following questionnaire. The study's inclusion criteria included the education attainment of at least a diploma and no history of psychosis. The exclusion criterion of the study was the failure to complete the questionnaire. The necessary data were gathered applying the Emotional Divorce Questionnaire (Gattman, 1994), Spiritual Intelligence Scale (Abdollahzadeh et al., 2008), Young Early Maladaptive Schema Questionnaire (Young, 1998), and Attitude to Extramarital Relationships Scale (Whatley, 2008). Data analysis was performed using Pearson correlation coefficient and structural equation modeling in SPSS and AMOS at the significance level of 0.05.

Results: The present study results indicated that spiritual intelligence presented a negative and direct effect on emotional divorce (β=–0.53, p<0.001); attitude toward extramarital relationships provided a positive and direct effect on emotional divorce (β=0.30 and p<0.001). Spiritual intelligence indicated a negative and direct effect on attitude toward extramarital relationships (β=–0.46, p<0.001); however, early maladaptive schemas presented a positive and direct effect on attitude toward extramarital relationships (β=0.40 and p<0.001). Furthermore, the indirect effect of spiritual intelligence on emotional divorce with the mediating role of attitudes toward extramarital relationships was measured as –0.16 (p<0.001). The indirect effect of early maladaptive schemas on emotional divorce with the mediating role of attitudes toward extramarital relationships equaled 0.12 (p<0.001). In addition, goodness of fit indices supported the optimal fit of the model with the collected data (X^2/df=2.201, TLI=0.98, IFI=0.99, NFI=0.99, CFI=0.99, GFI=0. 98, AGFI=0.98, RMSEA=0.068).

Conclusion: According to our findings, attitudes toward extramarital relationships played a mediating role in the relationship between spiritual intelligence and early maladaptive schemas and emotional divorce. These findings are an important step towards recognizing the effective factors in women's emotional divorce.

Keywords: Emotional divorce, Spiritual intelligence, Early maladaptive schemas, Attitude, Extramarital relationships.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۴۰۰؛ (۱۱):۱۷۲.

انتشار برخط آذر ۱۴۰۰ مقاله پژوهشی اصیل

مدل‌یابی رابطهٔ بین هوش معنوی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با طلاق عاطفی با نقش میانجی نگرش به روابط فرازناشویی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز روان‌شناختی اهواز

مریم سمالپور بابااحمدی[۱]، *علیرضا حیدری[۲]، پرویز عسکری[۲]، بهنام مکوندی[۲]

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی عمومی، گروه روان‌شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران؛

۲. گروه روان‌شناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

***رایانامهٔ نویسندهٔ مسئول:** arheidarie43@gmail.com

تاریخ دریافت: ۲۲ خرداد ۱۳۹۹؛ **تاریخ پذیرش:** ۶ بهمن ۱۳۹۹

چکیده

زمینه و هدف: طلاق عاطفی نوعی نابهنجاری در نظام خانواده است که به جدایی زوجین منجر نمی‌شود. هدف پژوهش حاضر، مدل‌یابی رابطهٔ بین اثر هوش معنوی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با طلاق عاطفی با نقش میانجی نگرش به روابط فرازناشویی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز روان‌شناختی اهواز بود.

روش‌بررسی: این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود که در آن رابطهٔ بین متغیرها در قالب تحلیل مسیر بررسی شد. جامعهٔ آماری را تمامی زنان مراجعه‌کننده به مراکز روان‌شناختی شهر اهواز در سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند که به‌روش نمونه‌گیری دردسترس تعداد ۲۶۴ نفر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. پرسشنامهٔ طلاق عاطفی (گاتمن، ۱۹۹۴)، مقیاس هوش معنوی (عبدالله‌زاده و همکاران، ۱۳۸۷)، پرسشنامهٔ طرحواره‌های ناسازگار اولیهٔ یانگ (یانگ، ۱۹۹۸) و مقیاس نگرش به روابط فرازناشویی (واتلی، ۲۰۰۸) برای نمونه‌ها اجرا شد. تحلیل داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و روش مدل‌سازی معادلات ساختاری در نرم‌افزارهای SPSS نسخهٔ ۲۵ و AMOS نسخهٔ ۲۵ صورت گرفت. سطح معناداری آزمون‌ها ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: هوش معنوی دارای اثر منفی و مستقیم بر طلاق عاطفی (β=-۰/۵۳، $p<$۰/۰۰۱) و نگرش به روابط فرازناشویی دارای اثر مثبت و مستقیم بر طلاق عاطفی (β=۰/۳۰، $p<$۰/۰۰۱) بود. هوش معنوی دارای اثر منفی و مستقیم بر نگرش به روابط فرازناشویی (β=-۰/۴۶، $p<$۰/۰۰۱) و طرحواره‌های ناسازگار اولیه دارای اثر مثبت و مستقیم بر نگرش به روابط فرازناشویی (β=۰/۴۰، $p<$۰/۰۰۱) بود. همچنین اثر غیرمستقیم هوش معنوی بر طلاق عاطفی با نقش واسطه‌ای نگرش به روابط فرازناشویی برابر با ۰/۱۶ ـ بود ($p<$۰/۰۰۱). اثر غیرمستقیم طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر طلاق عاطفی با نقش واسطه‌ای نگرش به روابط فرازناشویی برابر با ۰/۱۲ بود ($p<$۰/۰۰۱). به‌علاوه، شاخص‌های نکویی برازش از برازش مطلوب الگو با داده‌های گردآوری‌شده حمایت کردند (χ^2/df=۲/۲۰۱، TLI=۰/۹۸، IFI=۰/۹۹، NFI=۰/۹۹، CFI=۰/۹۹، GFI=۰/۹۸، AGFI=۰/۹۸، RMSEA=۰/۰۶۸).

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های این پژوهش، نگرش به روابط فرازناشویی در رابطهٔ بین هوش معنوی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با طلاق عاطفی نقش میانجی دارد. یافته‌های پژوهش گام مهمی درجهت شناخت عوامل مؤثر در طلاق عاطفی زنان است.

کلیدواژه‌ها: طلاق عاطفی، هوش معنوی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، نگرش به روابط فرازناشویی.

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیار_غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]

۱ مقدمه

طبق نظر کارشناسان، آمار رسمی طلاق به‌طور کامل نشان‌دهندهٔ میزان ناکامی زوجین در روابط زناشویی نیست؛ زیرا آمار بزرگ‌تری به‌نام طلاق عاطفی[1] وجود دارد که طلاق خاموش[2] نیز نامیده می‌شود (۱)؛ چون بسیاری از ازدواج‌ها با طلاق رسمی خاتمه پیدا نمی‌کند، بلکه با زندگی به‌شکل بی‌علاقگی و بدون عشق و دوست‌بودن ادامه می‌یابد (۲). می‌توان طلاق عاطفی را حالتی دانست که در آن زوجین از بودن در کنار یکدیگر هیچ لذتی نمی‌برند؛ زیرا صمیمیتی بین آن‌ها وجود ندارد (۳). در سال‌های اخیر آمار رشد طلاق در شهرهای بزرگ، با ارقام نگران‌کننده‌ای از حد طبیعی فراتر رفته است. باتوجه به اهمیت انکارناپذیر نهاد خانواده در هر جامعه، بررسی چرایی، آسیب‌ها و شرایطی که فرد پس از طلاق تجربه می‌کند، از اهمیت بسزایی برخوردار است (۴).

یکی از عواملی که امکان دارد بر طلاق عاطفی اثر بگذارد، هوش معنوی[3] است (۵). هوش معنوی را مجموعه‌ای از قابلیت‌های سازش روانی تعریف می‌کنند که مبتنی‌بر جنبه‌های غیرعادی و متعالی واقعیت است؛ به‌ویژه قابلیت‌هایی که با ماهیت هستی فرد، معنای شخصی، تعالی و سطوح بیشتر هشیاری ارتباط دارد. هنگامی که این قابلیت‌ها به‌کار بسته شوند، توانایی منحصربه‌فرد مسئله‌گشایی، تفکر انتزاعی و کنارآمدن را تسهیل می‌کنند (۶).

همچنین، به‌نظر می‌رسد طرحواره‌های ناسازگار اولیه[4] در زنان به افزایش طلاق عاطفی در آن‌ها منجر شود. این اصطلاح برای نخستین‌بار توسط یانگ[5] بیان شد و به دسته‌ای از طرحواره‌ها اطلاق می‌شود که الگوی فراگیر هیجانی و شناختی خودآسیب‌رسان دارند و در ابتدای رشد و تحول شکل گرفته‌اند و می‌توانند در زندگی تداوم داشته باشند؛ درحالی‌که به‌شدت ناکارآمد هستند (۳). مطالعهٔ زوجین دارای رابطهٔ طلاق عاطفی نشان داده است، شکست در رسیدن به راه‌حلی برای زندگی مشترک به‌طور معناداری با طرحواره‌ها رابطه دارد. طرحواره‌ها به‌صورت باورهای عمیق و مستحکم فرد دربارهٔ خود، دیگران و جهان که نتیجهٔ سال‌های نخستین زندگی هستند، تعریف می‌شوند (۷). روابط تئوری طرحواره براساس رفتارهای شناختی اولیهٔ اختلالات شخصیت طراحی شده است. عبارت طرحوارهٔ ناسازگار اولیه به طرحواره‌های ناکارآمد اولیه و گسترده‌ای اشاره دارد که در ارتباط با شخص و دیگران است (۸).

ازطرفی، متأسفانه بسیاری از همسران در برقراری و حفظ روابط دوستانه و صمیمانه باهم مشکل دارند (۹)؛ درحالی‌که، شکست در برقراری ارتباط از مشکلات بسیار رایجی است که از سوی همسران ناراضی ابراز می‌شود. تعاملات و ارتباط‌های نامناسب که زوجین درگیر آن می‌شوند، در همان چند سال نخست ازدواج، پرخاشگری زبانی و بدنی را افزایش می‌دهد. متأسفانه بسیاری از همسران در برقراری و حفظ روابط دوستانه و صمیمانه باهم مشکل دارند (۱۰). روابط فرازناشویی[6] ، بی‌وفایی و خیانت پدیده‌ای است که اغلب به‌دلیل برطرف‌شدن نیازهای عاطفی فرد ازطریق روابط خارج از حیطهٔ زناشویی به‌وقوع می‌پیوندد (۱۱). باوجود اینکه خیانت زناشویی مفهومی رایج در ازدواج است، به‌صورت ناچیزی شناخته شده است و پیشینه و بررسی روشنی در ارتباط با این موضوع وجود ندارد. روابط فرازناشویی یا خیانت شامل برقراری ارتباط جنسی فردی متأهل با جنس مخالف، خارج از چارچوب خانواده (غیر از همسر) است (۱۲).

پژوهشگران نقش عامل تعارضات زناشویی را در پیش‌بینی رضایت زوجین یا طلاق عاطفی مهم ارزیابی کرده‌اند. جامعهٔ ایران، جامعه‌ای در حال گذار است و آیین‌های سنتی هنوز در این جامعه پابرجا است؛ ازاین‌رو در کنار آمار بسیار زیاد طلاق که وجود دارد، می‌توان حدس زد که بسیاری از زوج‌ها به‌دلیل سنتی‌بودن خانواده‌هایشان ترجیح می‌دهند زندگی بسیار بی‌کیفیتی را ادامه دهند تا زیر فشار روانی حاصل از طلاق نروند. در چنین شرایطی پدیدهٔ طلاق عاطفی و زندگی مستقل عاری از عواطف و تنها زیر یک سقف به‌وفور مشاهده می‌شود؛ بنابراین هدف از انجام این پژوهش، مدل‌یابی رابطهٔ بین هوش معنوی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با طلاق عاطفی با درنظرگرفتن نقش میانجی نگرش به روابط فرازناشویی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز روان‌شناختی اهواز بود.

۲ روش‌بررسی

روش این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود که در آن رابطهٔ بین متغیرها در قالب تحلیل مسیر بررسی شد. جامعهٔ آماری را تمامی زنان مراجعه‌کننده به مراکز روان‌شناختی شهر اهواز در سال ۱۳۹۸ تشکیل دادند. به‌روش نمونه‌گیری دردسترس تعداد ۲۶۴ زن مراجعه‌کننده به مراکز روان‌شناختی به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. سپس پرسشنامه‌های پژوهش برای پاسخ‌گویی در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت. در انتخاب حجم نمونه به‌دلیل اینکه در پژوهش مدل‌یابی به‌ازای هر متغیر آشکار، بیست نفر لازم است و براساس متغیرهای موجود (چهار متغیر آشکار) در مدل مفهومی شکل ۱، هشتاد نفر نیاز بود؛ اما مدل‌های علّی کمتر از دویست‌تا مدل‌های مطمئنی نیستند؛ ازاین‌رو، تعداد ۲۶۴ نفر به‌روش نمونه‌گیری دردسترس انتخاب شدند (۱۳). ملاک‌های ورود نمونه‌ها به پژوهش شامل داشتن حداقل تحصیلات دیپلم و نداشتن سابقهٔ روان‌پریشی بود. ملاک خروج نمونه‌ها از پژوهش تکمیل‌نکردن تمامی سؤال‌های پرسشنامه بود. ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر به‌شرح ذیل بود: به شرکت‌کنندگان دربارهٔ هدف و کارکرد پژوهش و... اطلاعاتی به‌شکل کتبی ارائه شد و آن‌ها در صورت تمایل در پژوهش و رضایت شفاهی مشارکت کردند. این اطمینان به افراد داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی استفاده خواهند شد. به‌منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت‌کنندگان ثبت نشد.

برای جمع‌آوری داده‌ها ابزارهای زیر به‌کار رفت.

[1]. Emotional divorce
[2]. Silent divorce
[3]. Spiritual intelligence
[4]. Early maladaptive schemas
[5]. Young
[6]. Extramarital affairs

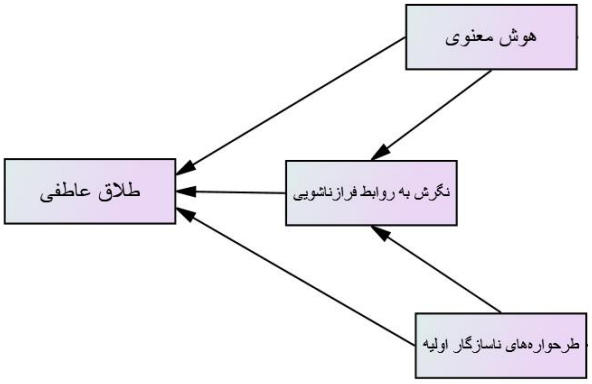
[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]

ـ پرسشنامهٔ طلاق عاطفی[1]: پرسشنامهٔ طلاق عاطفی توسط گاتمن در سال ۱۹۹۴ به‌منظور سنجش میزان طلاق عاطفی زوجین طراحی شد (۱۴). این پرسشنامه ۲۴ سؤال دارد و باید به‌شیوهٔ بله یا خیر به آن جواب داد. پاسخ بله امتیاز یک و پاسخ خیر صفر می‌گیرد. هرچه میزان جواب‌های بله بیشتر باشد، احتمال طلاق عاطفی بیشتر است. در این پرسشنامه نمره‌دهی به این صورت است: نمرهٔ بین صفرتا۸: احتمال جدایی در زندگی ضعیف است؛ نمرهٔ بین ۸تا۱۶: احتمال جدایی در زندگی متوسط است؛ نمرهٔ بیشتر از ۱۶: احتمال جدایی در زندگی قوی است. بعد از جمع‌کردن پاسخ‌های بله، اگر تعداد آن برابر با هشت و بیشتر باشد، زندگی زناشویی فرد درمعرض خطر و جدایی قرار دارد و باید از متخصص کمک بگیرد. حداقل نمره‌ای که توسط آزمودنی کسب می‌شود، صفر و حداکثر نمره ۲۴ خواهد بود (۱۴). سازندگان پرسشنامه، روایی محتوای پرسشنامه را مطلوب گزارش کرده اند. همچنین، پایایی این آزمون با روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۹ به دست آمد (۱۴). در پژوهش مامی و عسگری، پایایی پرسشنامه ازطریق آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به‌دست آمد (۱۵).

ـ مقیاس هوش معنوی[2]: مقیاس هوش معنوی در ایران، باتوجه به ویژگی‌های فرهنگی این جامعه، توسط عبداللهزاده و همکاران در سال ۱۳۸۷ ساخته شد (۱۶). این پرسشنامه دارای ۲۹ ماده و دو خرده‌متغیر درک و ارتباط با سرچشمهٔ هستی و زندگی معنوی است. نمره‌گذاری پرسشنامه در طیف لیکرت به‌صورت کاملاً مخالفم (نمرهٔ ۱)، خیلی مخالفم (نمرهٔ ۲)، کمی مخالفم (نمرهٔ ۳)، بی‌نظر (نمرهٔ ۴)، کمی موافقم (نمرهٔ ۵)، خیلی موافقم (نمرهٔ ۶) و کاملاً موافقم (نمرهٔ ۷) انجام می‌شود. حداقل نمره ۲۹ و حداکثر نمره ۲۰۳ است. کسب نمرهٔ کمتر نشان‌دهندهٔ هوش معنوی کمتر و کسب نمرهٔ بیشتر نشان‌دهندهٔ هوش معنوی بیشتر است (۱۶). عبداللهزاده و همکاران، این پرسشنامه را روی ۲۸۰ نفر گروه نمونه اجرا کردند و پایایی در این مرحله ۰/۸۹ گزارش شد. در چرخش واریماکس دو عامل اصلی درک و ارتباط با سرچشمهٔ هستی با دوازده سؤال و زندگی معنوی یا اتکا به هستهٔ درونی با هفده سؤال به‌دست آمد. رابطهٔ همبستگی بین عامل اول این پرسشنامه با پرسشنامهٔ هوش معنوی جامع ۸۳سؤالی آمرام و درایر به میزان ۰/۷۶ در سطح ۰/۰۱ بود. رابطهٔ همبستگی بین عامل دوم این پرسشنامه با پرسشنامهٔ هوش معنوی جامع ۸۳سؤالی ۰/۷۱ به‌دست آمد (۱۶).

ـ پرسشنامهٔ طرحواره‌های ناسازگار اولیه[3] : پرسشنامهٔ طرحواره‌های ناسازگار اولیه توسط یانگ در سال ۱۹۹۸ برای اندازه‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه تهیه شد (۱۷). فرم کوتاه این پرسشنامه دارای ۷۵ سؤال به‌صورت بسته‌پاسخ با طیف شش‌گزینه‌ای لیکرت (کاملاً درست، تقریباً درست، اندکی درست، بیشتر درست است تا غلط، تقریباً غلط، کاملاً غلط) است که به‌ترتیب نمره‌های ۵، ۴، ۳، ۲، ۱ و صفر به آن‌ها تعلق می‌گیرد. نمرهٔ کل این سازه بین صفرتا۳۷۵ است. در پژوهش حاضر، از نمرهٔ کل پرسشنامهٔ طرحواره‌های ناسازگار اولیه استفاده شد. پرسشنامه، طرحواره‌های ناسازگار اولیه را در پنج حوزه (قطع ارتباط و طرد، خودگردانی مختل، محدودیت مختل، دیگرجهت‌مندی، گوش‌به‌زنگی)، می‌سنجد (۱۷). یانگ و براون ضریب پایایی برای کل پرسشنامه را با روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۰ گزارش نمودند. روایی سازه این پرسشنامه نیز ساختار عاملی آن را مورد تأیید قرار داد (۱۸). روایی ملاکی فرم کوتاه با استفاده از رابطه بین خرده‌مقیاس SQ-SF و خرده‌مقیاس SCL-۲۵ در سطح $p<۰/۰۵$ معنادار بود. پایایی آن با روش آلفای کرونباخ برای همهٔ طرحواره‌ها در دامنه‌ای بین ۰/۳۹ تا ۰/۶۷ به‌دست آمد(۱۹).

ـ مقیاس نگرش به روابط فرازناشویی[4] : مقیاس نگرش به روابط فرازناشویی توسط واتلی در سال ۲۰۰۸ساخته شد (۲۰). این مقیاس در دوازده گویه تنظیم شده است که در طیف هفت‌درجه‌ای از به‌شدت موافقم (۷) تا به‌شدت مخالفم (۱) نمره‌گذاری می‌شود. نمرهٔ بیشتر در مقیاس نشان‌دهندهٔ نگرش مثبت بیشتری به روابط فرازناشویی است. کمترین نمره‌ای که فرد می‌تواند در این مقیاس به‌دست آورد، ۱۲ و بیشترین نمره ۸۴ است (۷). یافته‌های پژوهش واتلی حاکی‌از اعتبار مطلوب مقیاس است. آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۸۰ به‌دست آمد (۲۰). ضریب بازآزمایی حاصل از اجرای این آزمون نیز ۰/۸۰ سنجیده شد (۲۰). روایی و پایایی آزمون در پژوهش علی‌تبار و همکاران به‌ترتیب ۰/۷۱ و ۰/۸۷ بود (۲۱).



شکل ۱. مدل مفهومی ارتباط هوش معنوی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با طلاق عاطفی با نقش میانجی نگرش به روابط فرازناشویی

[1]. Emotional Divorce Questionnaire
[2]. Spiritual Intelligence Scale
[3]. Young Early Maladaptive Schema Questionnaire
[4]. Attitude to Extramarital Relationships Scale

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]

مدل مفهومی پژوهش دربارهٔ ارتباط هوش معنوی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با طلاق عاطفی با نقش میانجی نگرش به روابط فرازناشویی در شکل ۱ ارائه شده است. در راستای تحلیل استنباطی از روش مدل تحلیل مسیر و برازندگی الگوی پیشنهادی براساس شاخص مجذور خی‌دو، شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، شاخص نکویی برازش (GFI)، شاخص نکویی برازش تعدیل‌شده (AGFI)، شاخص تاکر_لویز (TLI)، شاخص برازندگی افزایشی (IFI)، شاخص بنتلر_بونت یا شاخص نرم‌شدهٔ برازندگی (NFI) و ریشهٔ خطای میانگین مجذورات تقریب (RMSEA) استفاده شد. برای ارزیابی روابط واسطه‌ای، آزمون بوت‌استراپ به‌کار رفت. برای بررسی هم‌خطی چندگانه، از آمارهٔ تحمل و عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شد؛ همچنین برای آزمون مفروضهٔ استقلال خطاها، آزمون دوربین واتسون به‌کار رفت. تحلیل‌های مذکور با بهره‌گیری از نرم‌افزارهای SPSS نسخهٔ ۲۲ و AMOS نسخهٔ ۲۲ صورت گرفت. سطح معناداری آزمون‌ها در این پژوهش، ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

۳ یافته‌ها

در این پژوهش یافته‌های توصیفی بیانگر سن شرکت‌کنندگان با ۱/۵۱ درصد در دامنهٔ بین ۲۰تا۲۴ سال، ۱۴/۳۹ درصد بین ۲۵تا۲۹ سال، ۳۸/۶۳درصد بین ۳۰تا۳۴ سال، ۲۷/۲۷درصد بین ۳۵تا۳۹ سال، ۱۲/۹درصد بین ۴۰تا۴۹ سال و ۵/۳۰درصد بین ۴۵تا۴۹ سال بود. همچنین، از نظر سابقهٔ تأهل، ۷۷/۳۲۷درصد کمتر از ۱۱ سال و ۲۲/۷۳درصد بیشتر از ۱۱ سال سابقهٔ تأهل داشتند. در جدول ۱، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش آورده شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش و نتایج آزمون کولموگروف‌اسمیرنف

شاخص‌های آماری / متغیرها	میانگین	انحراف معیار	K-S	مقدار احتمال
طلاق عاطفی	۱۳/۶۷	۶/۵۷	۰/۴۹	۰/۷۵۴
هوش معنوی	۱۱۷/۸۵	۵۸/۷۷	۰/۸۱	۰/۵۱۲
طرحواره‌های ناسازگار اولیه	۱۳۳/۶۶	۶۹/۶۷	۰/۵۷	۰/۶۳۷
نگرش به روابط فرازناشویی	۳۴/۹۹	۱۹/۴۰	۰/۹۴	۰/۳۱۸

آماره‌های توصیفی شامل میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش (طلاق عاطفی، هوش معنوی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، نگرش به روابط فرازناشویی) در جدول ۱ آمده است. همچنین نتایج آزمون کولموگروف‌اسمیرنف (K-S) نشان داد، تمامی متغیرهای پژوهش از توزیع نرمال برخوردار بودند ($p>0/05$).

ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

جدول ۲. ضرایب همبستگی پیرسون بین متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	۱	۲	۳	۴
۱. طلاق عاطفی	۱			
۲. هوش معنوی	$-0/501^{**}$	۱		
۳. طرحواره‌های ناسازگار اولیه	$0/318^{**}$	$-0/214^{**}$	۱	
۴. نگرش به روابط فرازناشویی	$0/599^{**}$	$-0/553^{**}$	$0/501^{**}$	۱

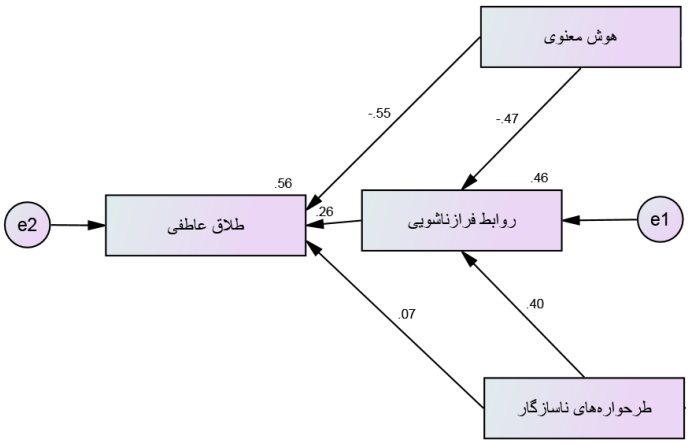
$^{**}p<0/05$

باتوجه به مندرجات جدول ۲، ضریب همبستگی پیرسون بین تمامی متغیرهای پژوهش از نظر آماری معنادار بود. در جدول ۳، شاخص‌های نکویی برازش الگوی مسیر شده است. مدل پیشنهادی اولیه‌ای برای تبیین طلاق عاطفی براساس هوش معنوی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و نگرش به روابط فرازناشویی به‌دست آمد که در شکل ۲ ارائه شده است. براساس مدل اولیه، هوش معنوی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با طلاق عاطفی با نقش میانجی نگرش به روابط فرازناشویی ارتباط دارد.

جدول ۳. ضرایب مسیر اثرات مستقیم بین متغیرهای پژوهش در مدل نهایی

مسیر	برآورد غیراستاندارد	برآورد استاندارد	خطای معیار	مقدار احتمال
هوش معنوی به طلاق عاطفی	$-0/60$	$-0/53$	۰/۰۸	<۰/۰۰۱
هوش معنوی به نگرش به روابط فرازناشویی	$-0/52$	$-0/46$	۰/۰۹	<۰/۰۰۱
طرحواره‌های ناسازگار اولیه به نگرش به روابط فرازناشویی	۰/۴۴	۰/۴۰	۰/۰۹	<۰/۰۰۱
نگرش به روابط فرازناشویی به طلاق عاطفی	۰/۳۳	۰/۳۰	۰/۱۳	<۰/۰۰۱

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]



شکل ۲. مدل اولیهٔ برازش‌شده با ضرایب استاندارد برای ارتباط هوش معنوی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با طلاق عاطفی با نقش میانجی نگرش به روابط فرازناشویی

همان‌طورکه جدول ۳ نشان می‌دهد، هوش معنوی دارای اثر منفی و مستقیم بر طلاق عاطفی (β=-۰/۵۳، p<۰/۰۰۱) و نگرش به روابط فرازناشویی دارای اثر مثبت و مستقیم بر طلاق عاطفی است (β=۰/۳۰، p<۰/۰۰۱)؛ همچنین هوش معنوی دارای اثر منفی و مستقیم بر نگرش به روابط فرازناشویی (β=-۰/۴۶، p<۰/۰۰۱) و طرحواره‌های ناسازگار اولیه دارای اثر مثبت و مستقیم بر نگرش به روابط فرازناشویی است (β=۰/۴۰، p<۰/۰۰۱). به‌منظور بررسی سهم واسطه‌گری نگرش به روابط فرازناشویی در رابطهٔ بین هوش معنوی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه و طلاق عاطفی از دستور بوت‌استراپ استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴. نتایج روش بوت‌استراپ در بررسی مسیرهای غیرمستقیم و واسطه‌ای

متغیر پیش‌بین	متغیر میانجی	متغیر ملاک	مدل نهایی			
			بوت‌استراپ	حد بیشتر	حد کمتر	مقدار احتمال
هوش معنوی	نگرش به روابط فرازناشویی	طلاق عاطفی	۰/۱۶ـ	۰/۲۹ـ	۰/۰۱۰	<۰/۰۰۱
طرحواره‌های ناسازگار اولیه	نگرش به روابط فرازناشویی	طلاق عاطفی	۰/۱۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰۱	<۰/۰۰۱

براساس جدول ۴، اثر غیرمستقیم هوش معنوی بر طلاق عاطفی با نقش واسطه‌ای نگرش به روابط فرازناشویی برابر با ۰/۱۶ـ بود (p<۰/۰۰۱). همچنین اثر غیرمستقیم طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر طلاق عاطفی با نقش واسطه‌ای نگرش به روابط فرازناشویی برابر با ۰/۱۲ به‌دست آمد (p<۰/۰۰۱).

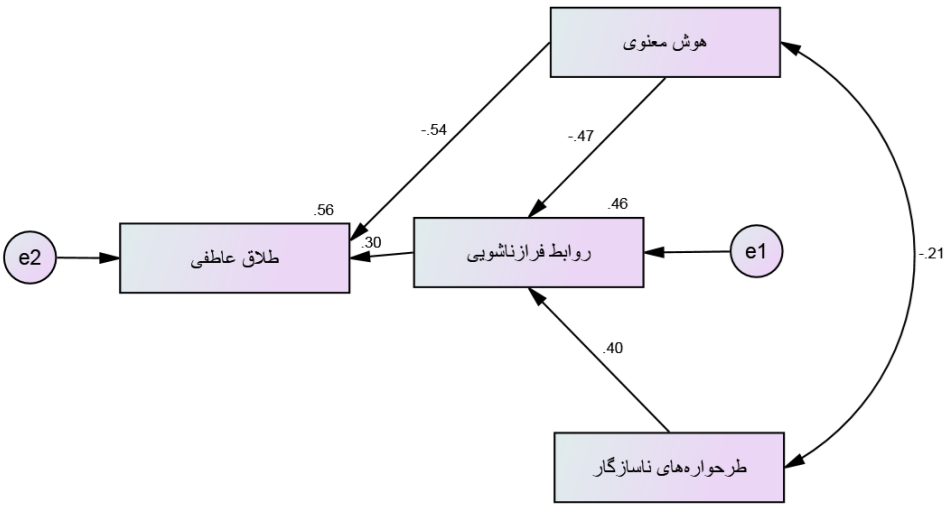
جدول ۵. شاخص‌های نکویی برازش، مدل اولیه و نهایی

شاخص‌های نکویی برازش	مدل اولیه	مدل نهایی
χ^2	۰/۵۶۷	۲/۲۱۰
Df	۱	۱
(χ^2/df)	۰/۵۶۷	۲/۲۱۰
CFI	۰/۷۵	۰/۹۹
TLI	۰/۷۷	۰/۹۸
IFI	۰/۷۳	۰/۹۹
GFI	۰/۷۱	۰/۹۸
AGFI	۰/۶۹	۰/۹۸
NFI	۰/۶۹	۰/۹۹
RMSEA	۰/۲۸۶	۰/۰۶۸

جدول ۵ نشان می‌دهد، شاخص‌های نکویی برازش از برازش مطلوب الگو با داده‌های گردآوری‌شده حمایت کرده است. مدل اصلاح‌شده در

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]

شکل ۳ مشاهده می‌شود. نتایج الگوی مسیر اندازه‌گیری‌شدهٔ روابط بین هوش معنوی، نگرش به روابط فرازناشویی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه و طلاق عاطفی در شکل ۳ ارائه شده است.



شکل ۳. مدل نهایی برازش‌شده با ضرایب استاندارد برای ارتباط هوش معنوی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با طلاق عاطفی با نقش میانجی نگرش به روابط فرازناشویی

۴ بحث

هدف پژوهش حاضر، مدل‌یابی رابطهٔ بین هوش معنوی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با طلاق عاطفی با نقش میانجی نگرش به روابط فرازناشویی در زنان مراجعه‌کننده به مراکز روان‌شناختی اهواز بود. یافتهٔ پژوهش حاضر نشان داد، بین هوش معنوی با طلاق عاطفی رابطهٔ مستقیم، منفی و معنادار وجود داشت. این یافته با نتایج پژوهش شیخ‌نژاد و همکاران مبنی بر رابطهٔ هوش معنوی با طلاق عاطفی در دانشجویان متأهل (۲۲) همسوست.

در تبیین این یافته می‌توان گفت، هوش معنوی شامل هدایت و معرفت درونی، حفظ تعادل فکری، آرامش درونی و بیرونی و عملکردی همراه با بصیرت و ملایمت و مهربانی است؛ همچنین توانایی به‌دست‌آوردن قدرتی که ما را برای رسیدن به رؤیاهایمان یاری می‌دهد. هوش معنوی نبوغ طبیعی زندگی است که هر فردی آن را به ارث می‌برد. فرایند هوش معنوی می‌تواند حالتی از زندگی در تعجب، علاقه و اشتیاق باشد (۵)؛ جایی که بصیرت (بینش) جدید به‌عنوان نشانه‌هایی از هوشی جدید در نظر گرفته می‌شود و ما را قادر می‌سازد از آن پیروی کنیم. لحظه‌های دشوار زندگی بهترین زمانی است که می‌توان این هوش را اندازه گرفت. هوش معنوی قبل از هر چیز هدایت خود است (۶). از سوی دیگر طلاق عاطفی بیانگر رابطهٔ زن و شوهری است که رو به زوال است؛ این نوع طلاق به‌مرور زمان، تنشی فزاینده میان زن و شوهر ایجاد می‌کند که معمولاً به جدایی آن‌ها از یکدیگر منجر می‌شود. همچنین اولین چیزی که در طلاق عاطفی میان زن و شوهر از بین می‌رود، جاذبه و اعتماد آن‌ها به هم است. وقتی یکی از زوجین مملو از نیازهای برآورده‌نشده در زندگی مشترک باشد، احساس غمگینی و ناامیدی در او شکل می‌گیرد (۲). هوش معنوی به صلح‌آمیزبودن، منصفانه‌بودن و دلسوزانه‌بودن رفتارهای شخص منجر می‌شود که به‌نوبهٔ خود با سلامت روانی در بعد هماهنگی و در صلح بودن با جهان درونی و جهان بیرونی (طبیعت، اجتماع و...) همسوست (۶)؛ بنابراین می‌توان گفت هوش معنوی با عوامل درونی مانند خودآگاهی مثبت، خویشتن‌پذیری، داشتن معنویت و هدف در زندگی، ایجاد تطابق‌پذیری مطلوب‌تر در زندگی فرد و کاهش فشارهای روانی و بهبود سلامت روانی همراه است؛ یعنی وقتی فردی هوش معنوی سطح بالایی دارد، از هیجانات و افکار درونی خود آگاه است و از سوی دیگر می‌تواند خود را با هر ویژگی که داراست بپذیرد. از سوی دیگر در روند سازگاری با همسر و تطابق با زندگی زناشویی خود هوشمندانه‌تر عمل می‌کند؛ بنابراین احتمال طلاق عاطفی در افرادی که هوش معنوی بیشتری دارند، کمتر روی می‌دهد.

یافتهٔ پژوهش نشان داد، بین هوش معنوی با نگرش به روابط فرازناشویی رابطهٔ مستقیم، منفی و معنادار وجود داشت. بی‌وفایی و خیانت زناشویی پدیده‌ای است که اغلب به‌دلیل برطرف‌شدن نیازهای عاطفی فرد ازطریق روابط خارج از حیطهٔ زناشویی به‌وقوع می‌پیوندد (۱۲). هوش معنوی به‌دلیل پیوندش با معنا و ارزش‌های اخلاقی و وجدانی، سبب تقویت انعطاف‌پذیری و خودآگاهی، ظرفیتی برای روبه‌روشدن با دشواری‌ها و سختی‌ها و فراتر از آن رفتن، ظرفیتی برای الهام و شهود، نگرش کل نگر به جهان هستی و زندگی مطابق با آنچه به لحاظ وجدانیات و اخلاقیات صحیح است، می‌شود؛ همگی این موارد در افزایش تطابق‌پذیری فرد با دیگران و کاهش استرس و افزایش آرامش درونی و در کل بر کیفیت زندگی فرد بسیار مؤثرند؛ درنتیجه افرادی که هوش معنوی سطح بالایی دارند، حفظ آرامش خود و اطرافیان و رعایت اخلاقیات و اصول پذیرفته‌شدهٔ جامعه را بر لذت‌های آنی و تنوع‌طلبی ترجیح می‌دهند؛ بنابراین این افراد نگرش منفی‌تری به روابط فرازناشویی خواهند داشت.

یافتهٔ پژوهش نشان داد، بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با نگرش به روابط فرازناشویی رابطهٔ مستقیم، مثبت و معنادار وجود داشت. این یافته با مطالعهٔ کونور و همکاران که نشان دادند طرحوارهٔ ناسازگار اولیهٔ

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]

رهاشدگی بر کیفیت زناشویی و تعارضات زناشویی زوجین مؤثر است (۲۳) همسوست. همچنین محمدی و سلیمانی به بررسی طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌عنوان پیش‌بینی‌کنندهٔ تعهدات زناشویی پرداختند. نتایج نشان داد، بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و رضایت زناشویی با تعهدات زناشویی رابطهٔ منفی و معنادار وجود دارد (۲۴). طرحواره‌های ناسازگار اولیه، الگوهای هیجانی و شناختی خودآسیب‌رسانی هستند که در ابتدای رشد و تحول در ذهن شکل گرفته‌اند و در سیر زندگی تکرار می‌شوند (۷). بی‌وفایی و خیانت پدیده‌ای است که اغلب به‌دلیل برطرف‌شدن نیازهای عاطفی فرد ازطریق روابط خارج از حیطهٔ زناشویی به‌وقوع می‌پیوندد. خیانت زناشویی، براساس تعریفی کلی نقص تعهد رابطهٔ دونفره است که منجربه شکل‌گیری درجاتی از صمیمیت عاطفی و فیزیکی با فردی خارج از این رابطه می‌شود (۱۱). در تبیین این یافته می‌توان اظهار داشت که طرحواره‌های شکل‌گرفته از دوران کودکی می‌توانند تأثیر عمیقی بر روابط دوران بزرگسالی بگذارند. زوجین تحت‌تأثیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه رفتارهایی را بروز می‌دهند که درک مشترک از مفهوم سازگاری زناشویی و رضایت زناشویی را بین زن و شوهر تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. آشفتگی روابط، انتظارات غیرواقع‌بینانه، مشکلات هیجانی و ناتوانی در مدیریت تعارض در خانواده و مشکلات زندگی می‌تواند حاصل طرحواره‌های شکل‌گرفته در سیر زندگی باشد؛ ازاین‌رو هرچه طرحواره‌های اولیهٔ فرد ناسازگارتر باشند، فرد بیشتر به‌دنبال فرار از مشکلات و پناه‌بردن به روابط جایگزین خواهد بود؛ درنتیجه نگرش مثبت‌تری به روابط فرازناشویی در وی شکل می‌گیرد. به‌طورکلی می‌توان گفت طرحواره‌ها یکی از عوامل شناختی‌اند که به‌طور مستقیم در انتخاب همسر نقش دارند و از سوی دیگر طرحواره‌ها نقش مهمی در روابط ناکارآمد زناشویی ایفا می‌کنند و اصلاح آن‌ها منجربه بهبود روابط زناشویی می‌شود.

یافتهٔ پژوهش حاضر نشان داد، بین نگرش به روابط فرازناشویی با طلاق عاطفی رابطهٔ مستقیم، مثبت و معنادار وجود داشت. هر زوجی بنابه نوع تعهدات و محدودیت‌هایی که در رابطهٔ خویش با یکدیگر توافق کرده است، نگرش خاصی به خیانت دارد؛ به همین دلیل این مفهوم در طی سالیان مختلف، تعاریف گوناگونی به خود گرفته است؛ اما یکی از جنبه‌های مشترک در همهٔ این تعاریف، پنهانی‌بودن یا مخفیانه‌بودن چنین روابطی در میان زوجین است (۱۱). آشکار است که تجربهٔ این نوع روابط و حتی داشتن نگرش مثبت به روابط فرازناشویی می‌تواند با احتمال طلاق عاطفی از سوی آنان ارتباط داشته باشد.

یافتهٔ دیگر پژوهش حاضر نشان داد، بین هوش معنوی و طلاق عاطفی با نقش واسطه‌ای نگرش به روابط فرازناشویی رابطهٔ غیرمستقیم و معنادار وجود داشت. در تبیین آن می‌توان گفت، هوش معنوی با سازگاری و رفتار حل مسئله در ارتباط است و فرد را در جهت هماهنگی با رویدادهای اطراف و رسیدن به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌کند. این هوش، دیدی کلی دربارهٔ زندگی و همهٔ تجارب و رویدادها ارائه می‌دهد و فرد را قادر می‌سازد با نگاه تازه و تفسیر مجدد از تجارب خود، شناخت و معرفت خود را عمق بخشد. درواقع، هوش معنوی از یک طرف با افزایش ویژگی‌های انسانی و ارتباط آن با عامل‌های شناختی در فرد زمینهٔ سازگاری در زندگی را افزایش می‌دهد. از سوی دیگر، هوش معنوی با افزایش توان حل مسئله و به‌تبع آن افزایش موفقیت‌ها و کاهش شکست‌ها مانع بروز اختلاف بین زوجین می‌شود؛ درنتیجه کاهش روابط فرازناشویی ناشی از پایین‌بودن سطح هوش معنوی می‌تواند باعث کاهش طلاق عاطفی نیز شود.

همچنین یافتهٔ پژوهش حاضر نشان داد، بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با طلاق عاطفی با نقش واسطه‌ای نگرش به روابط فرازناشویی رابطهٔ غیرمستقیم و معنادار وجود داشت. طرحواره‌های ناسازگار اولیه قادر هستند، ارزیابی افراد را از رویدادهای فشارزا تحت‌تأثیر قرار دهند و از توانایی آن‌ها برای مقابله با مشکلات بکاهند. در این مورد نیز به نظر می‌رسد که حضور طرحواره‌های ناسازگار اولیه به آسیب‌پذیری فرد برای انواع آشفتگی‌های روانی و شخصیتی منجر می‌شود. همین امر ممکن است مانعی برای رضایت از زندگی در افراد شود و احتمال بروز روابط فرازناشویی شود که درنتیجه احتمال رخداد پدیدهٔ طلاق عاطفی را نیز افزایش می‌دهد.

از محدودیت‌های عمدهٔ مطالعهٔ حاضر مقطعی‌بودن آن بود. نمونهٔ پژوهش حاضر، زنان مراجعه‌کننده به شهر اهواز بودند که این امر تعمیم نتایج را به دیگر گروه‌ها و جوامع دشوار می‌کند؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های بیشتر روی نمونه‌های دیگر به‌منظور تعمیم نتایج انجام گیرد. استفاده از مطالعات طولی و سایر روش‌های تحقیق ترکیبی (شامل کیفی و کمی) می‌تواند برای بررسی موضوع این مطالعه سودمندتر باشد. باتوجه به نقش هوش معنوی و نگرش به روابط فرازناشویی در طلاق عاطفی پیشنهاد می‌شود، برای کاهش مشکلات ارتباطی در زوجین، برنامه‌ها و کارگاه‌های آموزشی مبنی‌بر هوش معنوی برای زنان تدوین شود.

۵ نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش نتیجه گرفته می‌شود، بین هوش معنوی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با طلاق عاطفی با نقش میانجی نگرش به روابط فرازناشویی رابطه وجود دارد. براساس نتایج پژوهش، الگوی پیشنهادی از برازش مطلوبی برخوردار است و گام مهمی درجهت شناخت عوامل مؤثر در طلاق عاطفی زنان محسوب می‌شود؛ همچنین می‌تواند به‌عنوان الگویی مناسب برای تدوین و طراحی برنامه‌های پیشگیری از تنیدگی‌های تجربه‌شدهٔ این زنان و کاهش طلاق عاطفی آن‌ها مفید باشد.

۶ تشکر و قدردانی

از تمامی شرکت‌کنندگان که در این پژوهش ما را یاری کردند، نهایت تشکر و قدردانی را داریم.

۷ بیانیه‌ها

تأییدیهٔ اخلاقی و رضایت‌نامه از شرکت‌کنندگان

این مقاله برگرفته از رسالهٔ دکتری رشتهٔ روان‌شناسی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز است. مجوز اجرای این پژوهش بر گروه مطالعه‌شده از زوجین مراجعه‌کننده به مراکز روان‌شناختی شهر اهواز

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]

شماره نامهٔ ۱۵۰ صادر شده است. به شرکت‌کنندگان دربارهٔ هدف و کارکرد پژوهش و... اطلاعاتی به‌شکل کتبی ارائه شد و آن‌ها در صورت تمایل در پژوهش و رضایت شفاهی مشارکت کردند. این اطمینان به افراد داده شد که تمام اطلاعات محرمانه هستند و برای امور پژوهشی استفاده خواهند شد. به‌منظور رعایت حریم خصوصی، نام و نام خانوادگی شرکت‌کنندگان ثبت نشد.

رضایت برای انتشار

این امر غیرقابل اجرا است.

در دسترس بودن داده‌ها و مواد

همهٔ نویسندگان مقاله به داده‌های پژوهش دسترسی دارند و پژوهشگران می‌توانند در صورت لزوم ازطریق مکاتبه با نویسندهٔ مسئول مقالهٔ حاضر، به این اطلاعات دسترسی پیدا کنند.

تضاد منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تضاد منافعی ندارند.

منابع مالی

تأمین منابع مالی انجام این پژوهش از هزینه‌های شخصی بوده است و توسط هیچ نهاد یا سازمانی صورت نگرفته است.

مشارکت نویسندگان

نویسندهٔ اول داده‌های به‌دست‌آمده را آنالیز و تفسیر کرد. نویسندهٔ دوم، در نگارش نسخهٔ دست‌نوشته همکار اصلی بود. همهٔ نویسندگان نسخهٔ دست‌نوشتهٔ نهایی را خواندند و تأیید کردند.

References

1. Rasheed A, Amr A, Fahad N. Investigating the relationship between emotional divorce, marital expectations, and self-efficacy among wives in Saudi Arabia. Journal of Divorce & Remarriage. 2021;62(1):19–40. https://doi.org/10.1080/10502556.2020.1833290
2. Sahebihagh MH, Khorshidi Z, Atri SB, Jafarabadi MA. Investigating the relationship between self-efficacy and emotional divorce among nurses in the city of Rasht, Iran (2015). 2017;10(6):1596–600.
3. Akbari E, Azimi Z, Talebi S, Fahimi S. Prediction of couples' emotional divorce based on early maladaptive schemas and emotion regulation's components. Clinical Psychology and Personality. 2020;14(2):79–92. [Persian] http://cpap.shahed.ac.ir/article_2783_57e0decd37b5f8fc081c22c988991064.pdf
4. Slanbekova G, Chung MC, Abildina S, Sabirova R, Kapbasova G, Karipbaev B. The impact of coping and emotional intelligence on the relationship between posttraumatic stress disorder from past trauma, adjustment difficulty, and psychological distress following divorce. J Ment Health. 2017;26(4):334–41. https://doi.org/10.1080/09638237.2017.1322186
5. Zhang K, Wang D. The efficacy of a transactional analysis training program for married university students' spiritual intelligence: a randomized controlled study. An Interdisciplinary Journal of Neuroscience and Quantum Physics. 2018;16(6):105–11.
6. Bayrami M, Mohammadi D. Interpersonal forgiveness based on spiritual intelligence components among high school male students of Tabriz. Journal of Pizhūhish dar dīn va salāmat. 2019;5(1):19–28. [Persian] https://doi.org/10.22037/jrrh.v5i1.17576
7. Eftekhari A, Hejazi M, Yazdani K. Predicting marital satisfaction through early maladaptive schemas and communication styles of couples. International Journal of Psychology. 2018;12(2):118–46. [Persian] https://dx.doi.org/10.24200/ijpb.2018.60303
8. Molayem Raftar S, Pasandideh MM, Kazemi P. Comparing early maladaptive schemas, sexual knowledge and attitude in applicant for divorce and ordinary couples. Journal of Fundamentals of Mental Health. 2018;21(1):5–13. [Persian] https://dx.doi.org/10.22038/jfmh.2018.12109
9. Fallahian H, Mikaeli N, Yousefi Moridani M. Predicting meta-marital relationships based on love quality, couple conflict resolution styles, and marital commitment. Family Pathology, Counseling and Enrichment. 2019;5(1):59–76. [Persian] http://fpcej.ir/article-1-229-en.pdf
10. Toplu-Demirtaş E, Fincham FD. Dating infidelity in turkish couples: the role of attitudes and intentions. The Journal of Sex Research. 2018;55(2):252–62. https://doi.org/10.1080/00224499.2017.1365110
11. Conroy AA, McKenna SA, Comfort ML, Darbes LA, Tan JY, Mkandawire J. Marital infidelity, food insecurity, and couple instability: A web of challenges for dyadic coordination around antiretroviral therapy. Soc Sci Med. 2018;214:110–7. https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2018.08.006
12. Altgelt EE, Reyes MA, French JE, Meltzer AL, McNulty JK. Who is sexually faithful? Own and partner personality traits as predictors of infidelity. Journal of Social and Personal Relationships. 2018;35(4):600–14. https://doi.org/10.1177/0265407517743085
13. Kline RB. Principles and practice of structural equation modeling. 3rd ed. New York: Guilford Press; 2011.
14. Gottman J. Success or failure in marriage. Jazayeri A (Persian translator). Hehran: Khojaste; 2008. [Persian]
15. Mami Sh, Askari M. Naghsh tamayozyaftegi khod va sabk–haye delbastegi dar pish bini talagh atefi [The role of differentiation of self and attachment style in predicting of emotional divorce]. In: Regional Conference on the Pathology of Divorce [Internet]. Kurdistan, Iran: Islamic Azad University Saghez Branch; 2014. [Persian] https://civilica.com/doc/279545/

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]

16. Abdollahzade H, Boujmehrani S, Bagherpour M, Lotfi M. Spiritual intelligence. Tehran: Ravan Sanji Pub; 2009. [Persian]
17. Young JE. Young Schema Questionnaire Short Form. New York: Cognitive Therapy Center; 1998.
18. Young JE, Brown G. Young schema questionnaire. Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach. 1994;2:63-76.Young JE, Brown G. Young schema questionnaire-short form; Version 3. Psychological Assessment. 2005.
19. Ahi GH. The Validation of early maladaptive schemas questionnaire (short version) [unpublished thesis of M.A. in psychology]. [Tehran, Iran]: Allameh Tabataba'i University;2006. [Persian]
20. Whatley MA. Attitudes toward infidelity scale. J Soc Psychol. 2008; 13(3):547-561. [Link]
21. Alitabar SH, Ghanbari S, Zadeh Mohammadi A, Habibi M. The relationship between premarital sex and attitudes toward infidelity. Journal of Family Research. 2014;10(2):255–67. [Persian] https://jfr.sbu.ac.ir/article_96651_56a3aaa4fa95d653c96aa72ddc8d071b.pdf
22. SheihkNejad H, Saemi H, Akbari Daghi H. The relationship between identity styles and spiritual intelligence with emotional divorce in married students. Journal of Health and Care. 2018;20(1):48–56. [Persian] http://dx.doi.org/10.29252/jhc.20.1.48
23. O'Connor P, Izadikhah Z, Abedini S, Jackson CJ. Can deficits in emotional intelligence explain the negative relationship between abandonment schema and marital quality? Family Relations. 2018;67(4):510–22. https://doi.org/10.1111/fare.12320
24. Mohammadi B, Soleymani A. Early maladaptive schemas and marital satisfaction as predictors of marital commitment. International Journal of Behavioral Sciences. 2017;11(1):16–22. [Persian]

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-18]